



# دوستت دارم به بیک سرت

زندگینامه داستانی شهید پژمان توفیقی  
به روایت همسر شهید، طاهره خوبکار

طاهره کوه کن

به امید آنکه این صفحات  
دعایی برای ظهورت باشند...



هرگونه بهره‌برداری متنی، صوتی، تصویری و نرم‌افزاری  
(شبکه‌های اجتماعی، پادگست و ...) از کل اثر مجاز نیست  
(استفاده تبلیغی و ترویجی کوتاه بلامانع است).

## دوستت دارم به یک شرط

زندگینامه داستانی شهید مدافع حرم، پژمان توفیقی به روایت همسر  
به قلم طاهره کوهکن

نوبت چاپ: سوم، ۱۴۰۳، شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

طراح جلد: احسان حسینی

ویراستار: سیدمحمد مکتبی

لیتوگرافی و چاپ: گل‌وردی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۰-۶۲۸-۸

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر برای روایت فتح محفوظ است.

کوهکن، طاهره، ۱۳۶۸ -

دوستت دارم به یک شرط: زندگینامه داستانی شهید پژمان توفیقی به روایت همسر / به قلم طاهره کوهکن  
ویراستار سیدمحمد مکتبی.

تهران: روایت فتح، چاپ اول: ۱۳۹۹، چاپ سوم: ۱۴۰۳، ۱۷۶ ص.  
۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-330-628-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: زندگینامه داستانی شهید پژمان توفیقی به روایت همسر.

۱. توفیقی، پژمان، ۱۳۷۰-۱۳۹۴.
۲. داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
۳. Persian fiction -- 20th century
۴. خاطرات ایرانی -- قرن ۱۴
۵. Iranian diaries -- 20th century
۶. شهیدان -- ایران -- داستان
۷. Martyrs -- Iran -- Fiction

رده‌بندی کنگره: PIR۷۳۵۸

رده‌بندی دیویی: ۸۷۳/۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳-۲۵۴۲

دفتر: ۸۸۸۰۹۷۲۸، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، پخش: ۸۸۸۵۳۹۰۸

نشانی: تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سپهبد قسری، شماره ۱۶

www.revayatfath.ir

## ❖ مقدمه ناشر

هر انسانی یک داستان دارد؛ داستانی منحصر به فرد و پرفراز و نشیب که روایتگر تمام گره‌های فرش رنگارنگ بافته شده زندگی اوست که هر روز با گره‌هایی بر تار و پودش نقشی را آرام آرام به نمایش می‌گذارد. فرش نرم نرم بافته می‌شود؛ گره پشت گره و نقش پشت نقش. اما داستان برخلاف نقش فرش انتهایش نوشته شده نیست. باید صبر کرد و منتظر بود تا داستان، نقش ببندد و سرانجامش به نمایش دربیاید.

هر انسانی یک داستان دارد. فرشی در حال بافته شدن با نقشه‌ای منحصر به فرد و رنگ آمیزی خاص که هر کدام محلی برای دیده شدن دارد و زمانی برای ظهور تا مخاطبش را فرا بخواند و در چشمش جلوه‌گری کند و هر داستانی هم برای مخاطب خاصش روایت می‌شود تا در کنج دلش به یادگار آرام بگیرد. روایت داستان زندگی افراد به ظاهر کم‌نام و نشان مانند گشت و گذار در لابه‌لای فرش‌های دست‌بافت قدیمی پستوی خانه مادر بزرگ است. هر یک که به چشم می‌آید زیبایی خاصی را نمایان می‌کند و سکوت و حیرتی به همراه دارد؛ سکوتی شگفت‌انگیز و حیرتی دلنشین.

شما را دعوت می‌کنیم به تماشای نقش‌های رنگارنگ قصه‌عزیزانی که زندگی‌شان پر از گره‌های رنگین تماشایی و خواندنی است.

## ❁ مقدمه نویسنده

بی مقدمه اقرار می‌کنم دوست داشتن را، اما...  
 یک شرط در ذهنم بالا و پایین می‌پرد؛ شرطی که این دوست داشتن را محدود  
 می‌کند. نمی‌دانم بگویمش یا نه. شاید دلگیر شوی، اما...  
 دل‌مان باید گیر چیز بزرگ‌تری باشد تا بفهمیم.  
 با خود می‌گویم شاید از شروع علاقه راه‌گریزی نباشد، اما برای ادامه‌اش ناچار  
 به تصمیم هستیم؛ تصمیمی که زندگی را معنا می‌بخشد، حتی زنده بودن را.  
 این خودمان هستیم که باید سمت و سوی گسیل شدن محبت را تعیین کنیم  
 که یا این محبت، نردبان عروج‌مان شود یا پرتگاه سقوط.